

مجله

دانشکده ادبیات

شماره ۴ سال سوم

۱۳۳۵

تیر ماه

تحقیقات علمای مغرب در باب ممالک شرقی^۱

تألیف : آقای سید حسن تقی زاده

رئیس مجلس سنا و استاد دانشکده معقول و منقول

در سال گذشته براهنمائی و سعی یونسکو انجمنی در ایران با اسم انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی تشکیل شد که با شورای بین المللی فلسفه و علوم انسانی که بستگی به یونسکو دارد ارتباط حاصل نماید و همچنین با قریب دوازده سازمان بین المللی که عضویت آن شوری را دارند .

برای آشنائی اذهان بکار و موضوع و وظایف و فعالیت این انجمن، ابتدا لازم خواهد بود شرحی واقعی در اصل موضوع شورای بین المللی مذکور و مقصد آن و کیفیت این رشته و شعبه های علوم که این تشکیلات بآنها علاقه دارند بیان شود و این در واقع خود مقدمه آشنائی با انجمن است . لذا انجمن در قریب دو ماه قبل مصمم شد که خطابه های عمومی دائر کنند که شاید ماهی یکی ترتیب داده شود و از آن جمله اولین خطابه را برای اواخر فروردین یا اوایل اردیبهشت مقرر داشت و موضوع آنرا همان « بیان مقاصد و وظایف این انجمن و کیفیت آن » تعیین نمود و ناطق این مجلس یا خطابه اول، آقای نفیسی معهود گردیدند و ایشان نیز قبول فرمودند ولی

۱- متن سخنرانی جناب آقای تقی زاده در جلسه بی که از طرف انجمن فلسفه و علوم

انسانی وابسته بکمسیون ملی یونسکو در تالار دانشکده ادبیات تشکیل شد .

مسافرت ایشان قدری طول کشید و انجمن چندی در انتظار عودت ایشان ماند تا عاقبت که خبری از تاریخ مراجعت ایشان بدست نیامد، ناچار انجمن بر آن شد که قبل از فوت موسم مجلسی ترتیب بدهد و از اینجانب که مستعد آن کار یعنی بیان موضوع و تفسیر کار انجمن نبودم تقاضا شد بعنوان افتتاح سلسله خطابه‌ها در موضوع دیگری بیان مختصری بکنم و بنا بر این موضوع عرایض من «تحقیقات علمای مغرب در باب ممالک شرقی» فرار داده شد، و تئیکه این دعوت بعمل آمده بود و اوراق دعوت نیز منتشر شده بود، خوشبختانه آقای نفیسی تشریف آوردند و حقاً باید حق بمن له‌الحق برسد. ایشان حاضر شدند که در همین مجلس نطق خود را بکنند ولی چون حاضرین انتظار استماع سخنی چند از من هم داشته‌اند، اینجانب بر سبیل مقدمه بیانات ایشان چند کلمه در باب مقدمات موضوع خود عرض میکنم و از این قرار در واقع مجلس امروز دو خطابه خواهد داشت. لکن چون موضوع تحقیقات مغربیان در باب مشرق زمین و خاصه ممالک اسلامی که مراد عمده از این خطابه من باید باشد بسیار وسیع است و یکی دو خطابه هم وافی بآدای اجمالی مطلب نمیشود، گمان میکنم میتوان موضوع را بدو قسمت تقسیم کرد: یعنی مطالعات و تحقیقات مغربیان در باب اسلام و شؤون اسلامی و تحقیقات در باب آنچه راجع بایران است و بنا بر این من میتوانم امروز راجع بقسمت اول مختصری عرض کنم که مقدمه موضوع کلی باشد و بقیه مطلب یعنی قسمت ثانی را که مربوط بایران میباشد بیک خطابه مستقل جداگانه در موقع دیگر محول نمایم و آنچه هم امروز میگویم چنانکه عرض کردم فقط محض عدم تکذیب کارت دعوت است و بس و باید سخن را برای خطابه اصلی امروز باستاد محترم واگذارم. البته مقصود ما از تحقیقات مغربیان در باب شرق تمام ممالک و ملل شرق نیست که آن داستان بسیار درازی میشود و تحقیقات در باب هندوچین یا بابل و آشور خود مبحث عظیم جداگانه‌ای است. البته همه میدانند که منبع و مرکز علوم و فنون در دنیای قدیم یونان بوده و از آنجا بسوی مشرق و مغرب انتشار یافته است. قبل از یونان هم در مصر و سومر و مخصوصاً بابل و همچنین چین تمدنی و البته علمی بوده و اندکی هم یونانیان از علوم بابل اقتباس کرده‌اند. لکن قسمت عظیم علوم بمعنی حقیقی آن از ابتکارات یا نتیجه تکمیل یونانیان بود و این سرچشمه تا عهد تمدن جدید و نهضت اخیر اروپا که رنسانس (Renaissance) باشد فیض بخش بود. بعد از ضعف یونان و خاموشی مشعل تمدن

در آتن و خاک یونان و سواحل آسیای صغیر و جزایر یونانی همان تمدن و علوم در اسکندریه و بیزانس (Bizance) در دست یونانیان رونق داشت و زنده بود، لکن بعدها آن مراکز نیز از رونق اولی افتادند و ممکن بود که مشعل علم در تحت تأثیر تعصبات جاهلانۀ مسیحیان قرون وسطی خاموش گردد و جز در بعضی نقاط مانند حران و قسطنطنیه کانونی برای علوم یونانی نمانده بود ولی آن علوم و معارف بوسیله ترجمه های سریانی در قرون پنجم تا هفتم مسیحی و ترجمه های عربی در قرون دوم و سوم هجری برای دنیا تاحدی محفوظ ماند.

داستان این ترجمه های سریانی و عربی دراز است و از موضوع ما خارج. لکن از وقتی که در ممالک اروپا دست بترجمه کتب علمی عربی زدند همانطور که عده معتنی بهی از مترجمین نامدار در قرون دوم و سوم و چهارم بسیاری از کتب یونانی را از آن لغت یا از ترجمه سریانی آنها بعربی نقل و عالم اسلامی را با علوم و فنون یونانی آشنا و بلکه غنی کردند و اسامی بطریق حجاج بن یوسف بن مطر، و قسطنین لوقا و ثابت بن قره و حنین بن اسحق و پسرش و امثال آنها دفتری با ارزش از خادمین علم در تاریخ اسلام بعمل میآورد، همچنان نهضتی هم در اروپا برای کسب علوم و ترجمه کتب علمی و فنی عربی (چه تألیفات مسلمین و چه ترجمه های عربی از یونانی و سریانی) از نیمه دوم قرن پنجم پیدا شد و روز بروز قوت گرفت.

اولین مترجم معروف و بزرگ اروپائی قسطنطنین افریقائی بود که در قرطاجنه متولد شد و در حدود ۴۸۰ در مونت کاسینو (Monte Cassino) (ایتالیا) وفات یافت. وی عده ای از کتب مهم طبی و از آن جمله کتب محمد بن زکریای رازی و علی بن عباس سجوسی را بلاتین ترجمه کرد.

پس از وی عده زیادی از اروپائیان بترجمه کتب علمی عربی پرداختند که مشهورترین و پرکارترین و تاحدی محقق ترین آنها جرارد (Gerard) از اهل کرمونا (Cremona) (در ایتالیا) بود که بیشتر زندگی خود را بعد از سنه ۵۶۶ در طلیطله از بلاد اسپانی گذراند که در آنجا مدرسه مخصوصی برای مترجمین دائر بود. وی در وطن اصلی خود در حدود سنه ۵۸۳ (۱۱۸۷ مسیحی) وفات یافت. چنانکه گفته شد وی بزرگترین مترجم کتب بلاتینی بود و عده بسیاری از کتب یونانی مترجم بعربی را از ارسطو و غیره و کتب کندی و خوارزمی و فارابی و زهرای و قانون ابن سینا

و کتب رازی را بلاتینی ترجمه کرد و در ۷۳ سالگی مرد. مترجمین از عربی بلاتینی موجب نهضت عظیم علمی در اروپا شدند و از نیمه دوم قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم بازار ترجمه رونق داشت و شاید کمتر کسی مطلع باشد که آنقدر کتب بی‌شمار علمی از عربی بلاتینی ترجمه شد که کمتر کتابی از تألیفات مهم مسلمین یا ترجمه های عربی از یونانی باقی بود که ترجمه نشده باشد یعنی بلاتینی و هم بسیاری از زبانهای دیگر اروپا. (برای مثال جالب توجه ذکر کتابی در علم احکام نجوم از ماشاء الله منجم معروف عهد منصور عباسی مناسب است که نسخه عربی آن در دست نیست و فقط ترجمه لاتینی کتاب معروف ابواسم «کتاب الاسطراب والعمل بها» در اروپا در قرن شانزدهم مسیحی مکرر بطبع رسید. و از روی این ترجمه لاتینی کتابی بزبان ایرلندی چاپ شد که از طرف انجمن احیاء متون ایرلندی در سنه ۱۹۱۴ مسیحی طبع و نشر شده است) چنانکه باز بسیاری نیستند که از میزان کثرت ترجمه های مسلمین از کتب یونانی مستقیماً و غیر مستقیم که فوق العاده و بالاتر از تصور غالب مردم زیاد بود مطلع باشند و در واقع کمتر کتاب علمی یونانی باقی ماند که به عربی ترجمه نشده باشد. برای مثال مناسب است گفته شود که یکی از مترجمین بنام قرن سوم حنین بن اسحاق بر طبق فهرستی که خود نوشته ۱۲۹ کتاب از جالینوس در دست داشته ۳۹ عدد از آنها را به عربی ترجمه کرده است و اینک علاوه بر ترجمه هائیکه از میان رفته، ترجمه عربی ۵۱ کتاب جالینوس از حنین و دیگران در دست است.

انتشار این ترجمه های کتب علمی عربی بلاتینی در اکناف اروپا و مدارس عالیّه آنجا و استفاده علماء و حکماء معروف مغرب از آن کتب تا زمان کوپرنیک (متوفی در سنه ۱۵۰۰) که خود او نیز از همان کتب بهره مند گردیده بود خود داستان مفصلی دارد که فقط مقدمه ای بموضوع اصلی ما تواند شد.

پس از نهضت جدید علمی در اروپا از قرن پانزدهم و شانزدهم مسیحی باینطرف که بتدریج در دارالفنونها و مراکز علمی مغرب همه رشته ها و شعبه های علوم بشری مورد توجه و اقبال و تحقیق و تدقیق قرار گرفت، علم مشرق شناسی و تحقیقات راجع بکلیه شؤون علمی و اجتماعی و لغوی و فلسفی و دینی و آداب و جغرافیا و اقوام مشرق نیز رو بتکامل گذاشت و مانند سایر فنون مطمح انظار علما گردید.

از نیمه اول قرن شانزدهم مسیحی تألیفاتی در باب اسلام و مسلمین و بالخصوص

ترکها بوجود آمد و اگرچه قبل از آن هم نوشته های عامیانه و کم عمقی در این موضوع منتشر شده بود، از این زمان تحقیقاتی راجع بتاریخ اسلام و دین اسلام و زندگی پیغمبر آغاز شد که این «تحقیقات» هم بازست و کم عمق و افسانه آمیز و مشوب بتأثیر تعصبات مسیحی و عاری از مراجعه بمنابع اصلی بود. شرح و تاریخ نوشته های قدیم اروپائی را در باب اسلام و پیغمبر و قرآن و شریعت ورد مسیحیان باسلام و غیره را از قرن یازدهم مسیحی باینطرف در کتاب بسیار مفید و بی مانند پفان مولر (Pfannemuller) آلمانی بنام «کتابچه ادبیات اسلام» که در سنه ۱۹۲۳ مسیحی انتشار یافته و بطور مبسوط و تاریخی ثابت کرده میتوان مطالعه کرد و از مجموع این اطلاعات گمان میکنم این نتیجه را میتوان گرفت که این نوشته ها بر سه دوره تقسیم میشود: نخست دوره اول که فقط مشتمل بر افسانه و طعن است و اطلاعات درست و مبنی بر حقیقت در آنها یابکلی مفقود یا خیلی کم است.

دوره دوم از اوایل قرن ۱۶ مسیحی تا اواسط قرن نوزدهم است که کم و بیش مطالب تاریخی و لو ضعیف دیده میشود و گاهی بعضی از مؤلفین آنها دسترسی بمنابع عربی هم داشته اند معذک بهیچوجه محققانه نیست و فرق اینها را با نوشته های دوره قبل با این مثال قبیح میتوان قیاس نمود که گیوم پوستل (G. Postel) که در سنه ۱۵۸۱ مسیحی وفات یافته اولین کسی است از نویسندگان که افسانه بسیار شنیع متقدمین فرنگی خود را در باب حیات پیغمبر رد کرده است و آن افسانه دشمنانه و غیر قابل ذکر که فقط محض نشان دادن اعلی درجه نادانی و تعصب جاهلانۀ مخالفین نسبت بدینی، آنرا میتوان باستناد آنکه «نقل کفر کفر نیست» بر زبان آورد آنست که محمد را در حال مستی در مزبله ای خوکی خورد و بهمین جهت مسلمین بر ضد مستی و شراب هستند.

در این دوره دوم اشخاصی مانند مونی (Moni) و ژان آنتوان گر

(Jean Antoine Guer) و پوکوک (Pocoke) و لایب نیتس (Leibniz) و لسنینگ (Lessing) و هامر پورگستال (Hammer Purgstall) و گاکنیه - (Gagnier) و بیش از بیست نفر دیگر در این باب سخن رانده اند و از آن میان بعضی خصومت زیادی اساس و بعضی دیگر طرفداری و مدح کم عمق نشان داده اند که در میان طبقه دوم بولن و یلیه (Boulannvillier) و کارلایل (Carlyle) و واشنگتن

ایروینگ (Washington Irving) را میتوان ذکر کرد. سیل (Sale) مترجم معروف قرآن نیز معتدل و بالنسبه از افراط در تعصب دور بود.

دوره سوم که دوره تحقیقات عالمانه محققین بنام است باگوستاو وایل-

(Gustav Weil) آلمانی شروع میشود که برای مرتبه اول در سنه ۱۸۴۳ مسیحی کتاب خود را در تاریخ حیات مؤسس دین اسلام و تعلیمات او منتشر ساخت و تحقیقات خود را بر اساس کتب اسلامی و قرآن و سنت و سیرت گذاشت. بعد از وایل، ویلیام مویر (Sir Wil. Muir) انگلیسی از محققین بنام است و کتاب او «حیات محمد» و کتاب دیگرش با اسم «خلافت» در زمان خود بهترین تاریخ اسلام شمرده میشود. کتاب اول در سنه ۱۸۵۸ و ۱۸۶۱ مسیحی و از آن زمان تا سنه ۱۹۱۲ مسیحی در سه طبع دیگر با اصلاحات و تکمیل انتشار یافت. یکی دیگر از محققین معروف در تاریخ اسلام در قرن نوزدهم مسیحی اشپرنگر (Sprenger) آلمانی است که کتاب معروف بزرگ او در سه جلد در سنه ۱۸۶۱-۱۸۶۵ مسیحی مورد توجه عظیمی در اروپا در بین علما گردید و بلافاصله بعد از آن علامه معروف آلمانی نولدکه (Noeldecke) رساله عالمانه ولی عامه پسند خود را در باب پیغمبر اسلام تألیف کرد که معتدلانه و بیطرفانه تر از سایرین و شاید بطور کلی بهترین کتاب در این موضوع بود.

کتاب دیگر نولدکه بنام تاریخ قرآن فوق العاده مهم و محققانه است و هنوز هم بعد از قریب صد سال از تألیف آن اهمیت عظیم خود را از دست نداده است. شرح تحقیقات و عقاید این دانشمندان که راه تحقیق علمی انتقادی برای تاریخ اسلام باز کرده اند بسیار قابل توجه و خواندنی است ولی بدبختانه در یک خطابه مختصر درج آن غیر ممکن است.

اگوست موللر (Aug. Müller) و کتاب معروف او «اسلام در مشرق و مغرب» شهرت زیادی پیدا کرد. این کتاب که در سنه ۱۸۸۵ مسیحی انتشار یافت بزبانهای دیگر نیز ترجمه شده و شامل تاریخ و تحقیقات کلی و جامعی در باب ظهور اسلام و شرح حال مؤسس آنست و فصولی نیز مربوط بتاریخ عربهای قبل از اسلام که از مآخذ و روایات عربی و یا از منابع آثار مکشوفه و کتیبه های قدیم اخذ شده در آن آمده است؛ اکتشاف نوشته های قدیم یمن از اوایل قرن نوزدهم (که ابتدا بدست یکی از علمای روس بانظار عرضه شد) و داستان اکتشافات راجع بزبان و خط و تاریخ اقوام عربی قدیم از معینی و سبائی و قتبانی و حضرموتی و ثمودی و مینائی العلامه و لمحیانی و نبطی و صفائی و غیره و پیدا کردن

و خواندن هزاران کتیبه با آن خطوط و زبانها و تحمل مشقتهاى فوق العاده و طاقت فرسا در این باب در ۱۵۰ سال اخیر، خود بایى جداگانه و بسیار مشروح و دلپذیر است و در اینجا جز اشاره بآن نمیتوانیم بکنیم. سعی دو نفر در میان عدّه زیادى از زحمتکشان در این رشته بارآورتر از همه بوده که یکى هالوى (Halévi) یهودى فرانسوى است که قریب چهارصد کتیبه یمنى بزحمات عظیمه جمع و بیرون آورد و دیگری گلازر (Glaser) آلمانى است که بیش از هزار کتیبه بدست آورد و مجاهدات بلیغ در این امر کرد. بعد از آنها هم بسیاری تا امروز در این رشته کار کرده اند و مخصوصاً در خواندن کتیبه ها و استخراج مطالب آنها و تنظیم تاریخ قدیم عرب از هزار سال قبل از مسیح باینطرف از روی آنها مانند هانریخ مولدر (Heinrich Mueller) اطریشى و لیتمان (Littmann) آلمانى و مورتمان (Mordtmann) و هومل (Hommel) و اوتینگ (Euting) و هانسن و ریگمان (Ryckmann) بلژیکی که امروز اعلم علمای اروپا در این علم یعنی نوشته های قدیم عرب است. تحقیقات مربوط بتاریخ اسلام و شؤون مسلمین هم منحصر برشته اصل دین اسلام و زندگی پیغمبر و ظهور و نشأت آن دین نیست بلکه در باب قرآن و احادیث و مذاهب و تاریخ زبان عرب و نحو و صرف آن و لغات آن و همچنین عادات و آداب و عقاید و فرق و ملل و نحل اسلامى و فلسفه و کلام مسلمین و زبان و ادبیات اقوام مسلم از عرب و ایران و ترک و غیره نیز در هر رشته و شعبه بحث و فحص وسیع و زیادى بعمل آوردند.

برای اینکه بتحقیقات راجع بهمان دین اسلام و قرآن و حیات مؤسس دین و جانشینان او بر گردیم، باید لودولف کرهل (Ludolf krehl) و هوبرت گرمه (Hubert Grimme) را هم که هر دو آلمانى هستند ذکر کنیم. دومى کتب مبسوط و تحقیقات مفصلى در باب عرب و اسلام دارد و عقاید غربى در باب اصل اسلام و ظهور آن و جنبه اجتماعى و اقتصادى آن اظهار نموده است و نهضت اسلامى را در مکه نوعى از سوسیالیزم شمرده است. از علمای بنام با حثین در اسلام سنوك هورخرونیبه (Snouck Hurgronjé) (اگر تلفظ و املاى اسم چنین باشد) هولاندى است. مشارالیه تحقیقات زیادى در باب حیات پیغمبر و قرآن و اصول اساسى اسلام نموده و برای تکمیل معلومات خود بحرستان رفته و قریب دو سال در مکه ماند و شاید بهترین کتاب را در باب مکه نوشته و بهترین کتب قدیمه عربى را راجع بمکه طبع و نشر کرد. فرانسن

بوهل (Frants Bubl) دانمارکی نیز از محققین قرن کنونی است و کتاب خود را در باب حیات پیغمبر در کوپنهاگ در سنه ۱۹۰۳ مسیحی منتشر ساخت. این کتاب و کتابی هم که قبل از آن در باب تعلیمات محمد نوشته بزبان دانمارکی است ولی در سنه ۱۹۱۱ کتابی دیگر در حالات پیغمبر بزبان انگلیسی و در سنه ۱۹۰۶ مقاله مبسوطی بالمانی نوشت.

این مؤلف در تحقیقات خود بسیار دقیق و منصف و معتدل بوده و مخصوصاً محیط مکه و سکنه آنرا که پیغمبر در آن نشأت کرده بود تحلیل و تحقیق میکند و عقاید افراطی و شاذ را رد کرده و منابع اسلامی زیاد استناد مینماید. مار گلیوث (Margoliouth) یهودی انگلیسی و استاد مشهور اکسفورد تحقیقات زیادی در کتب و مقالات متعدد خود از سنه ۱۹۰۵ باینطرف نموده و مورد استناد بسیاری از نویسندگان اروپا گردید. در دائرة المعارف بریتانی نیز قسمت راجع پیغمبر را او نوشته و بمانند شرقی مراجعه نموده که بعضی از آنها در دست متقدمین او نبود. لکن جای افسوس است که تعصب شدید او بر ضد اسلام بعضی نوشته های او را از حقیقت دور ساخته است. گولدزیهر مجاری (Goldziher) بلاشک بزرگترین عالم و آخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی مسیحی باید شمرده شود. تحقیقات فوق العاده عالمانه او در باب احادیث و مذاهب اسلامی و فقه در واقع مبدأ دوره جدید در مطالعات اسلامی است. زحمات کتانی -

(Caetani) ایتالیائی و کتاب خیلی عظیم و مبسوط و بسیار جامع او در تاریخ اسلام که از همه منابع اسلامی استفاده نموده سنگ بسیار بزرگی در بنای علم تاریخ اسلام گذاشته است و عقاید و استنتاجات او بسیار معتدل و مبنی بر واقع بینی است. جای افسوس است که این کتاب بزرگ و جسیم که انتشار آنرا مبدأ دوره کنونی تحقیقات شمرده اند پایان نرسید بلکه تا خاتمه جلد چهارم از مجلدات بسیار عظیم، تازه بسال چهارم هجرت رسیده است که بدبختانه عزم خود را از مداومت در تألیف کتاب فسخ نمود. از محققین بسیار پرکار و کثیر التالیف و عمیق با وسعت عظیم تتبعات لامنس (Lamnez) کشیش فرانسوی است که کتب متعدد او در باب زندگی پیغمبر و صحابه و حضرت فاطمه و مخصوصاً کتاب مشهور او «مهد اسلام» شهرت زیاد و در بعضی محافل قبول عامه یافت لکن تعصب ضد اسلامی او و همچنین میل شدید وی ببنی امیه نوشته های بسیار جامع او را دارای منقصت و مورد انتقاد بسیاری از علماء و حتی نولدکه قرارداد

وعقیده افراطی او در پیچی احادیث و سستی آنها و معمول بودن غالب آنها و باینجهت شایسته اعتماد و استفاده نبودنشان شریک زیاد پیدا نکرد اگرچه در لزوم احتیاط در استناد در تحقیقات تاریخی با احادیث بسیاری دیگر نیز مانند گولدزیه و غیره با او اشتراك داشتند . در پایان این صحبت از علمای اسلام شناس اروپائی نمیخواهم از ذکر اسم توراندره (Tor Andrae) بگذرم . این عالم سوئدی که کتاب بسیار مفید خود را در استکهلم در سنه ۱۹۱۷ مسیحی نشر کرد، بعضی تحقیقات نسبتاً جدیدی بر معلومات سابق اضافه کرده و مخصوصاً در باب بعضی روابط اسلام با ادیان دیگر مطالبی در میان آورده است .

علماء و محققین اروپائی که در باب اسلام و زندگی پیغمبر و تاریخ اوائل اسلام و سیرت آن حضرت و صحابه تألیفاتی کرده اند ، منحصر بآنچه در فوق شمردیم نیست بلکه بسیاری دیگر را هم میتوان اضافه کرد و ما فقط از مهمترین آنها سخن گفتیم . نوشته ها در باب پیغمبر و اسلام را میتوان بر سه نوع تقسیم کرد که بعضی با انتقاد شدید و دیدن نقائص توأم است و بعضی دیگر بالنسبه معتدلانه و بهر حال بدون خصومت و عیب جوئی عمدی و بعضی هم با تمایل زیاد و تحسین توأم است و از این جمله اخیر کتاب سید امیر علی هندی است بانگلیسی که عالمانه و اروپاپسند است .

در موضوع تحقیقات علمای مغرب در باب مشرق ، ما فقط از یک گوشه بسیار کوچک توانستیم حرف بزنیم یعنی نه تنها بتحقیقات در باب ملل غیر اسلامی مشرق نپرداختیم و از ملل اسلامی هم از ایران و ترکیه و هندوستان و افریقای شمالی و اندونزی سخن نگفتیم، بلکه از خود اسلام و عرب و تاریخ و زبان و عادات و آداب و غیره مربوط بآنها هم جز یک قسمت کوچکی یعنی دین اسلام و مؤسس آن در بدو امر آن حرفی نزدیم و حتی در همان قسمت هم از مؤلفین اروپائی فقط مهمترین آنها را ذکر کردیم و از دو برابر آنچه ذکر شد صرف نظر نمودیم . فصولی دیگر هم راجع بقرآن و تفسیر و حدیث و فقه و همچنین زبان عربی و لغت و نحو و صرف و ادبیات آن نیز که هر یک متخصصینی دارد که عده آنها بصدها میرسد میتوان در این زمینه آورد که خود کتاب عظیمی میشود . بواسطه ضیق مجال با ساسی محققین در این خطابه اکتفا رفت و از عقاید و تحقیقات آنها سخنی زیاد گفته نشد و البته میتوان حق مطلب را آنهاهم باز باجمال در دو خطابه دیگر یکی راجع بشعب دیگر موضوعات اسلامی و شاید عربی و دیگری راجع

بایران قدیم و ایران اسلامی ادا کرد. لکن همین مجملی هم که امروز بیان شد و باعث خستگی آقایان حضار گردید، نسبت بوقت ما شاید خارج از تناسب بود و وقت آنست که سخن را بصاحب اصلی خطابه امروز یعنی استاد محترم آقای نفیسی بگذارم که آقایان را با موضوع انجمن ما باختصار آشنا کنند و حق آنست که ما هر دو طلبکار میمانیم یعنی هم ایشان باید شرح کامل مطلب خود را در یک خطابه دیگری که منحصر بخودشان باشد بما تلقین فرمایند و من نیز اگر مشتری پیدا شود در موقع دیگر شرحی دیگر راجع بتحقیقات مغربیان در باب ایران بعرض آقایان برسانم. اگر چه در این موضوع اخیر هم ایشان اعلم و احق هستند و شاید قبول فرمایند که آنرا خود بعهدہ بگیرند. در خاتمه باید از حاضرین محترم برای اظهار علاقه و حوصله و صبری که در استماع بیانات اینجانب ابراز فرمودند تشکر نمایم.

